

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

بهرام رحمانی
۰۸ سپتمبر ۲۰۲۱

دوازدهمین روز دادگاه نوری در ستکهم!

دادگاه ستکهم به جرم‌های حمید نوری در ماه‌های مرداد و شهریور ماه ۱۳۶۷ می‌پردازد. در این دادگاه شاکیان از وقایع آن تاریخ در زندان گوهردشت و فتوای خمینی برای قتل‌عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ و از ابراهیم رئیسی رئیس جمهوری فعالی جمهوری اسلامی که نوری از دستیاران آن بوده است یخن می‌گویند.

همایون کاویان یکی دیگر شاکیان امروز دوشنبه شش سپتامبر ۲۰۲۱ - ۱۵ شهریور ۱۴۰۰ در دادگاه حاضر شد. کاویانی در سال ۶۰ به جرم شرکت در تظاهرات و هواداری از مجاهدین دستگیر می‌شود و حکم ابد می‌گیرد. یکبار نزد هیات مرگ می‌رود و برگه‌ای به او می‌دهند و می‌گویند اگر اظهار ندامت کند اعدام نمی‌شود.

در این جلسه کاویانی که به گفته وکیلش نزدیک دو سال و نیم را در زندان گوهردشت سپری کرده در مورد «هفته اعدام‌های دسته‌جمعی زندانیان، نام زندانیان، نقشه زندان، و مسئولیت مقامات زندان» به دادگاه توضیح داد.

همایون کاویانی که در ۱۷ سالگی پس از شرکت در تظاهرات ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ دستگیر شده بود در جریان دادگاهی چند دقیقه‌ای با سه اتهام «هواداری از سازمان مجاهدین»، «شرکت در تظاهرات ۳۰ خرداد» و «ضدیت با نظام جمهوری اسلامی» به حبس ابد محکوم شد. او حدود ۱۰ سال را در دهه شصت در زندان گذراند.

کاویانی در دوازدهمین جلسه دادگاه شهادت داد که اولین بار با حمید نوری بدون چشم‌پند زندان در سال ۱۳۶۶ روبرو شد. او گفت در زندان گوهردشت، ناصرین دادیار زندان، حمید نوری را در برابر او و جمعی از زندانیان هم‌بندش به‌عنوان معاون و دست راست خود معرفی کرد.

همایون روزی را توصیف کرد که حمید نوری او و چند زندانی دیگر را به «راهروی مرگ» برد و ناصرین او را به نزد «هیات مرگ» هدایت کرد. کاویانی شهادت داد که حمید نوری را در زمان حضورش در آن راهرو دید که با لباس شخصی و پرونده‌ها در دستش در حال رفت و آمد بود و دیگران را صدا می‌کرد.

وی در ادامه افزود، حسینعلی نبیری در هیات مرگ از او سؤال کرد که نظرش درباره حمله مجاهدین به غرب کشور چیست؟ در ادامه ناصرین طبق خواسته هیات مرگ ورقه‌ای به او داد و در آن ورقه حمله مجاهدین به غرب کشور را محکوم و از آیت‌الله خمینی تقاضای عفو کرد و اعدام نشد.

کاویانی گفت در راهروی مرگ بود که بر روی دیوار کنار شانه‌اش این جمله را خواند: «۹ نفر از بچه‌های مشهد رفتند برای اعدام» و این لحظه‌ای بود که او از موضوع اعدام‌ها مطلع شد. او سخنان شاهدان دیگر را در مواردی مثل اضافه

شدن جیره غذایی در روزهای اعدام، نحوه چیدمان سالن‌ها و بندها، شکنجه‌های متعدد، وجود اتاق گاز و ممنوعیت ورزش جمعی تأیید کرد.

کاویانی شهادت داد در چند شبی که در راهروی بازجویی بوده صدای زنانی را می‌شنیده که می‌گفتند: «دست زن به من کثافت. ولم کن.» او گفت پس از انتقال به زندان اوین در سال ۱۳۶۰ دو یا سه شب در هفته صدای تیرباران می‌شنید. او گفت زندانیان براساس شمارش تعداد تیرهای خلاص هر شب از تعداد اعدام‌ها آگاه می‌شدند.

کاویانی شهادت داد که عکس حمید نوری را در اداره پولیس و در جریان بازجویی‌های پولیس سوید دیده است. دادستان از او می‌پرسد آیا شما قبل از دیدن عکس نوری در اداره پولیس عکسی از او در فضای مجازی دیده بودید. کاویانی پاسخ داد: نه.

کاویانی از چند تجربه برخورد مستقیم دیگر خود با حمید نوری سخن گفت، یکی از این برخوردها پس از انتقال او به زندان اوین رخ داد.

در آن دوره مادر همایون کاویانی به سرطان پستان مبتلا شده و در حال مرگ بود، پدرش از او خواست تا اگر می‌تواند کاری کند تا با مادر برای آخرین بار دیداری داشته باشد. کاویانی از حمید نوری تقاضای مرخصی کرد و نوری گفت جواب می‌دهد. نوری بعدا خبر داد که تقاضای مرخصی او رد شده است، نمونه دیگری از این ملاقات‌ها بعد از آزادی کاویانی از زندان پیش آمد.

شاهد توضیح داد که پس از آزادی برای انجام مصاحبه از دادستانی اوین تقاضانامه‌ای را دریافت کرد. او را در روز مصاحبه به حسینی‌یه بردند و جلوی دوربین نشانده. آن روز کاویانی بدون چشم بند در فاصله چند متری حمید نوری نشست.

شاهد در قسمت دیگری از شهادتش در پاسخ به سؤال وکیل مدافع حمید نوری در مورد این مصاحبه گفت: «حمید عباسی یک دوربین کوچک و یک صندلی گذاشته بود آن بالا. من رفتم و همه زندگی و افکارم را محکوم کردم و آمدم پائین.»

کاویانی شهادت داد که پس از اعدام‌ها چند بار برای کارهای مختلف از جمله عمل فک و کشک زانو که در جریان بازجویی‌ها آسیب دیده بودند به حمید نوری مراجعه کرد.

کاویانی در پاسخ به این سؤال دادستان که احساسش در مواجهه با حمید نوری در دادگاه چیست گفت: «خیلی سخت است. کسی که عزیزان آدم را گرفته است از یاد آدم نمی‌رود.»

کاویانی گفت هنگامی که به نزد هیات مرگ رفته بود نیری به او گفته که برای عفو آمده‌ایم. آیا طلب بخشش می‌کنید؟ نیری برگه‌ای به همایون می‌دهد تا آن را پر کند. روی برگه نوشته شده بود: من سازمان مجاهدین را محکوم می‌کنم و تقاضای بخشش از امام خمینی دارم.

وی می‌افزاید هنگامی که در راهرو مرگ بوده حمید نوری را می‌بیند که پرونده‌ای در دستش بوده و به پاسداران گفته زندانیان را به بندهایشان ببرید. همایون می‌گوید در این لحظه خیلی خوشحال شدم که آن‌ها را اعدام نمی‌کنند. اما بعد فهمیدم این یک اسم رمز بوده که زندانیان به محل اعدام ببرند نه به بندهایشان.

دادستان از همایون کاویانی پرسید این حمید نوری است؟

کاویانی با بغض و چشمانی پر از اشک گفت: این حمید نوری است و اضافه کرد: نوری هم مرا می‌شناسد و مطمئن مرا به جای می‌آورد.

دادستان پرسید چرا این قدر مطمئن هستید که او شما را می‌شناسد؟ همایون گفت چون تا آن موقع خیلی‌ها را اعدام کرده بودند و خیلی کم از زندانیان باقی‌مانده بودند و به‌همین دلیل او مرا به یاد می‌آورد.

دادستان نقشه‌ای از زندان گوه‌ر دشت نشان داد و از کاویانی پرسید که ساختمان ۲۱ کجای این نقشه است؟

چون فاصله دور بود کاویانی متوجه نشد اما حمید نوری بلند شد و با خودکار نشان داد این‌جاست.

دادستان: شما کی متوجه شدید تحقیقات مقدماتی در پولیس سوید درباره دستگیری یک ایرانی در جریان است؟ همایون: در رسانه‌ها دیدم.

دادستان: کی؟

همایون: فکر کنم سال ۲۰۱۹ بود. فقط خوندم کسی دستگیر شده است نامی از وی برده نشده بود؟

دادستان: وقتی شنیدید چه کار کردید؟

همایون: من از ایرج سوال کردم چه خبر است؟ چون او در رسانه‌ها فعال بود. گفت فعلا نمی‌توانم حرفی بزنم چون مسؤولیت حقوقی دارد. زمانش برسد خبرت می‌کنند. تا این که مشخص شد و پولیس مرا خواست تا شهادت بدهم. عکس او را اولین بار در آن‌جا در بین چند تا عکس دیگر دیدم.

دادستان: کی را می‌گوئید؟

همایون: حمید نوری را.

دادستان: کجا دیدید؟

همایون: همان ساختمان پولیس سوید با آقای یوران رفتیم پولیس حدود ۱۰ تا ۲۰ عکس بهمن نشان داد و پرسید نوری کدام یکی از این عکس‌هاست؟ من هم عکس او را نشان دادم.

دادستان: وقتی عکس نوری را دیدی چه حسی به شما دست داد؟

همایون: متأسف شدم.

دادستان: ادامه دهید.

همایون: هنوز هم درمان من در سوئیس در مرکز شکنجه‌دیدگان ادامه دارد. دکتر من در سوئیس گفته است درمان من باید ادامه یابد. این ماجرا را به این دلیل می‌گویم عکس نوری را دیدیم خیلی به هم ریختم. من پس از ۳۳ سال هنوز با بچه‌های اعدامی زندگی می‌کنم. آن‌ها کاری نکرده بودند و همه حکم داشتند.

دادستان: چه حسی پیدا کردید عکس عباسی را دیدید؟ احساسات چه بود؟

همایون: بغض کردم. ناراحت شدم و گریه کردم.

دادستان: آیا قبل از این پولیس به شما عکس نوری را نشان دهد در جای دیگری عکس او را دیده بودید؟

همایون: نه.

دادستان: انگار قبلا در مدیا دیده بودید؟

همایون: نه ندیده بودم.

دادستان: در صفحه ۲۱ بازجویی‌ات به تاریخ سوم دسامبر ۲۰۱۹ پولیس از شما می‌پرسد اسم شخصی که قرار است در مقابلش شهادت دهید چیست؟ شما جواب دادید: حمید عباسی و حمید نوری. آیا قبلا عکس او را دیده بودید؟

همایون: نه خیر من عکس نوری را ندیده بودم. اولین بار در اداره پولیس دیدم.

دادستان: وقتی نوری را پس از ۳۳ سال می‌بینید چه چیزی یادت اومد؟ چگونه او را شناختید؟

همایون: نوری چهره خاصی داشت. چهره‌ای استخوانی. شخصا چند بار از نزدیک او را دیده بودم. شاید اسامی و نقشه‌ها یادم نباشد. اما کسی که دوستانم را کشته یادم می‌ماند.

دادستان: الان حمید نوری را می‌بینید چه فکری از سرت می‌گذرد؟

همایون: خیلی سخت است خیلی سخت!

دادستان: چه سختی؟

همایون: اذیت‌هایی که خودم شدم و دوستانی که دیگر ندارم. فشارهایی که خانواده‌ها هنوز هم می‌کشند. ما ۳۳ سال است زندگی نکرده‌ایم. براساس قوانین خودشان ما حکم داشتیم و کاری نکرده بودیم.

دادستان: شما در دادگاه ایران تریبونال هم شهادت دادید؟

همایون: بلی.

دادستان: در دادگاه ایران تریبونال آمده که شما شاهد شصتم بودید.

همایون: یادم نیست.

دادستان: این فاکت را از ایران تریبونال می‌آورم: شما از جمله گفتید در گوهردشت بودید. اما هیچ جا ندیدم در جایی از کسی اسمی ببرید. چرا اسامی افرادی را نبردید که شما را اذیت می‌کردند؟

همایون: اون‌جا بحث بر سر محکومیت رژیم بود و به‌همین دلیل صحبت سسر افراد نشد. صحبت سر اثبات اعدام‌های سال ۱۹۸۸ بود. چون که رژیم منکر می‌شد. به این خاطر به افراد نپرداختم.

دادستان: جمعه پیش از یکی از شاکیان را سؤال و جواب کردیم می‌دانید کی بود؟ مهدی برجسته گرمرویی، می‌شناسید؟

همایون: بلی می‌شناسم من با مهدی در زندان اوین هم‌بند بودم.

همایون در پایان درباره این که چگونه از زیر چشم‌بند نوری و دیگران را می‌دید توضیح داد که چند تار نخ‌های چشم‌بند را می‌کشیدیم و از آن‌جا دیگران را می‌دیدیم بدون این که کسی متوجه شده باشد. شیوه‌هایی بود که پس از هفت سال زندان به تجربه یاد گرفته بودیم...

در ادامه دادگاه دنیل مارکوس، یکی از وکلای مدافع حمید نوری ادعا کرد که شهادت کاویانی در مورد زمان دیدن عکس نوری با گفته‌های او در اداره پولیس و نزد دادستان تغییر کرده و تفاوت دارد.

یوران یالمارشون، وکیل کاویانی در آغاز دادگاه امروز تاکید کرده بود که شاهد سال‌هاست از مشکلات روحی و جسمی اتفاقات داخل زندان رنج می‌برد و در سوئیس، محل پناهندگی و اقامتش تحت درمان است.

در حالی که روز دوشنبه دادگاه نوری در جریان بود رئیس سازمان زندان‌های جمهوری اسلامی ایران، محمد مهدی حاج محمدی، ادعا کرد که در زندان‌های جمهوری اسلامی ایران بعضی از زندان‌بانان، حتی از پدر و مادر نیز در رفتار با زندانیان مهربان‌تر هستند. او این سخنان را در رابطه با فیلم‌هایی که اخیرا از رفتار وحشیانه زندان‌بانان علیه زندانیان سیاسی انتشار یافت گفت.

در فیلم‌هایی که از وضع زندان اوین و شیوه رفتار با زندانیان سیاسی انتشار یافته، نمونه‌هایی از رفتار غیرانسانی و وحشیانه زندان‌بانان با زندانیان دیده می‌شود که با اعتراض‌های گسترده داخلی و خارجی روبه‌رو شد.

در این فیلم‌ها دیده می‌شود که زندانیان سیاسی از هوش رفته را روی پله‌ها می‌کشاند که به داخل بازداشتگاه ببرند. همچنین دیده می‌شود که یک زندانی دست بسته توسط چندین زندان‌بان مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد و...

حاج مهدی که پیش‌تر رفتار زندان‌بانان در فیلم‌های انتشار یافته را مورد انتقاد قرار داده و آن‌ها را نادرست خوانده بود، اکنون در پیام توئیتری تازه‌ای که انتشار داده می‌نویسد: «برخی زندان‌بانان از پدر و مادر زندانیان هم با آن‌ها مهربان‌تر هستند.»

او نوشت: «اتفاقات اخیر نباید ارزش زندان‌بانانی را که خود را نیز برای مراقبت از تبهکاران زندانی کرده‌اند، بکاهد.» رئیس کل زندان‌ها در پایان این پیام توئیتری نوشت: «زندان محفل و یا مجلس فرهیختگان نیست!» حاج محمدی هفته پیش، به دنبال فیلم‌های تکان‌دهنده‌ای که از بدرفتاری زندان‌بانان در اوین در رسانه‌های گروهی انتشار یافته بود نوشت: «من مسئولیت کامل این اقدامات غیرقابل قبول را می‌پذیرم و مانع از ادامه و تکرار آن خواهم شد.»

رئیس کل زندان‌ها اکنون در پیام جدید خود می‌نویسد: «من از خدا، از رهبر معظم انقلاب اسلامی و از همه زندان‌بانان در این رابطه عذرخواهی می‌کنم.»

او در پیام جدید خود به ظلم و ستمی که بر زندانیان سیاسی وارد آمده و می‌آید اشاره ای نکرده است. شماری از زندانیان سیاسی پیشین در واکنش به فیلم‌های انتشار یافته گفتند که آنچه دیده شده، از زندان‌های تهران و قزل حصار بوده و این در صورتی که در زندان‌های شهرستان‌ها، اوضاع صد پله بدتر و ستمکاری‌ها هزار پله بیش‌تر است. گفتنی است که از هنگام افشای این فیلم‌ها، هیچ‌یک از زندان‌بانان و یا مسؤولان زندان‌ها بازداشت نشد و مورد پیگرد قرار نگرفت.

گفته می‌شود که جمهوری اسلامی، حتی از انتشار این فیلم‌ها خرسند است، زیرا دیدن این وحشی‌گری زندان‌بانان، می‌تواند مخالفان این حکومت را بترساند و تلاش‌گران سیاسی را نیز از ادامه فعالیت ضد حکومتی بهراساند. سی و سومین سال‌گرد قتل‌عام هزاران زندانی سیاسی در مرداد و شهریور ۱۳۶۷، به فرمان مستقیم خمینی و با موافقت همه سران و مقامات و جناح‌های جمهوری اسلامی، در شرایطی فرا می‌رسد که سی و سه سال پس از آن جنایت هولناک و بربریت جمهوری اسلامی، یکی از مجریان اصلی این قتل‌عام، یعنی ابراهیم رئیسی، به ریاست‌جمهوری اسلامی ایران منصوب شده است. خود این مسئله به سادگی نشان می‌دهد در جمهوری اسلامی ایران هر کسی که دستانش آغشته به خون زندانیان و سرکوب‌های خونین اعتراض‌های مردمی و تروریسم دارند به‌سرعت ارتقا مقام پیدا می‌کنند.

در سال ۱۳۶۷ «هیأت مرگ» اعزامی جمهوری اسلامی به زندان‌ها عبایت بودند از: حسین علی نیری حاکم شرع، مرتضی اشراقی دادستان، مصطفی پورمحمدی نماینده وقت وزارت اطلاعات در زندان اوین، و ابراهیم رئیسی معاون دادستان کشور بود.

حمید نوری یا عباسی که هم‌اکنون در دادگاه ستکهلم محاکمه می‌شود یکی از مشاوران هیأت مرگ بود. درست سی و سه سال پیش در چنین روزهایی از اوایل مرداد ۱۳۶۷ تا اواسط شهریور ۱۳۶۷ زندانیان سیاسی مجاهد و کمونیست که پیش از آن در دادگاه‌های ناعادلانه مشابه جمهوری اسلامی ایران حکم زندان داشتند یا حکم شان پایان یافته بود را به فرمان روح الله خمینی و توسط هیأت مرگ: حسینعلی نیری، مرتضی اشراقی، مصطفی پور محمدی و ابراهیم رئیسی و با مشارکت محمد مقیسه (ناصریان)، داوود لشگری، حمید نوری (عباسی) و سایر هم‌دستان‌شان در زندان‌های گوهردشت، اوین و شهرستان‌ها با پرسش و پاسخ‌هایی چند دقیقه‌ای، قتل‌عام کردند و در گورهای جمعی خاوران و سایر گورهای بی‌نام و نشان در تهران و شهرستان‌ها از چشم خانواده‌ها و یاران‌شان و جامعه پنهان کردند و همچنان با بی‌شرمی تمام حقیقت را انکار یا تحریف می‌کنند.

هیات مرگ از روز هشتم مرداد ۶۷ به زندان گوهردشت رفت و کشتار شروع شد و تا ۲۵ مرداد ادامه داشت. دوباره اعضای هیات مرگ از روز ۵ شهریور ۶۷ برای کشتار زندانیان سیاسی چپ به گوهردشت رفتند و گفته شده که این کشتارها را تا ۱۵ شهریور ادامه دادند. هیات مرگ در کمتر از یک ماه و نیم چند هزار زندانی سیاسی که حکم زندان یا حکم آزادی داشتند را به وحشیانه‌ترین شکل ممکن و مخفیانه تفتیش عقاید کردند و در صورت نپذیرفتن درخواست‌های اعضای هیات مرگ، آن‌ها را مخفیانه راهی آمفی تئاتر (حسینیه) زندان گوهردشت یا محل‌های دیگر قتل‌عام کردند و به دور از چشم خانواده‌ها به خاک سپردند.

در این روزها که محاکمه حمید نوری در دادگاه ستکهم در جریان است او همچنان با بی‌شرمی تمام می‌گوید که اعدامی صورت نگرفته است و وکلای مدافع او نیز می‌خواهند سخنان شاه‌دان را رد کنند و بگویند شما دروغ می‌گوئید. در سی و سه سال گذشته، صدها هزار خانواده داغدار قربانیان این فاجعه، همواره خواهان روشن شدن حقیقت درباره شمار واقعی اعدام‌شدگان، نام آن‌ها، وصیت‌نامه، محل دفن آن‌ها، دلیل اعدام‌شان و همچنین محاکمه و مجازات سازمان‌دهندگان، آمران و عاملان و مجریان این جنایت هولناک تاریخی بوده است. نام تمامی سران جمهوری اسلامی و آدم‌کشانی همچون رازینی، رئیسی، نیری، اشراقی، پورمحمدی، نوری و در راس همه خمینی و خامنه‌ای در تاریخ جامعه ما به‌عنوان جنایت‌کاران تاریخ معاصر ثبت شده است. فقط سرنگونی کلیت این حکومت جنایت‌کار می‌تواند مرهمی بر زخم‌های مادران و پدران و فرزندان داغدار و رنج‌دیده و همه شهروندانی باشد که از حاکمیت جمهوری اسلامی ایران نفرت دارند و با بی‌صبری خواهان سرنگونی آن هستند!

جلسه بعدی دادگاه حمید نوری روز چهارشنبه ۱۷ شهریور در ستکهم سوید برگزار خواهد شد. شاهد بعدی این دادگاه سیامک نادری خواهد بود.